



روابط سالم و سازنده بین همسران

نویسنده: حسینی، داود

ادیان و عرفان :: معرفت :: اسفند 1382 - شماره 75

از 27 تا 35

آدرس ثابت : <http://www.noormags.com/view/fa/articlepage/21424>

دانلود شده توسط : کتابخانه مرکز تحقیقات حج حوزه نمایندگی ولی فقیه

تاریخ دانلود : 1393/07/05 08:22:39

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [فوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



پایگاه مجلات تخصصی نور



داود حسینی

روابط سالم و سازنده بین همسران

ارتباط چیست؟

احساسی به تو می‌دهم. آن‌گاه مغز تو گزارشی می‌دهد که این‌ها برای تو چه معنایی دارند، به تجربیات گذشته ات رجوع می‌کند و بر اساس آنچه مغز گزارشی می‌دهد، احساس راحتی یا ناراحتی خواهی کرد. (۳)

زمینه ارتباط

زمینه ارتباطی اشخاص در تمام مدت زندگی شان شکل می‌گیرد و روی همه روابط آن‌ها اثر می‌گذارد. چگونگی ارتباط در خانواده پدری، فرهنگ، جنسیت، طرز برقراری رابطه با دیگران، تجارب ناشی از روابط صمیمانه قبلی، برداشت از روابط و شخصیت، روی چگونگی این زمینه تأثیر می‌گذارند. بخش اعظم زمینه ارتباطی هر فرد زمانی شکل گرفته که هنوز به رابطه موجود قدم نگذاشته است. اما با این وجود، بر رابطه کنونی شما تأثیر می‌گذارد.

اینکه تفاوت در زمینه‌های ارتباطی به رابطه بهتر کمک می‌کند یا از کیفیت آن می‌کاهد، بستگی به آگاهی طرفین از آن‌ها دارد. وقتی از زمینه ارتباطی همسر خود بی‌اطلاع هستیم، اغلب به اشتباه فرض را بر این می‌گذاریم که همسر ما از زمینه‌ای مشابه ما برخوردار است. اما این تصور به روشنی مسئله‌ساز می‌شود. (۴)

در روابط صمیمانه، یکی از رایج‌ترین تفاوت‌ها در زمینه ارتباط به جنسیت برمی‌گردد. برای مثال، بسیاری از زوج‌ها نمی‌دانند و متوجه نیستند که زن و مرد از دو شیوه ارتباطی متفاوت استفاده می‌کنند. اغلب مردها بر این باورند که وقتی کسی مسئله‌ای را با آن‌ها در میان می‌گذارد، انتظار دارد که مسئله‌اش حل شود و به همین دلیل، بی‌درنگ راه‌حل ارائه می‌دهند. از سوی دیگر، اغلب زن‌ها معتقدند که در میان گذاشتن مسائل خود با دیگران راهی برای پیوند و رسیدن به احساس حمایت از

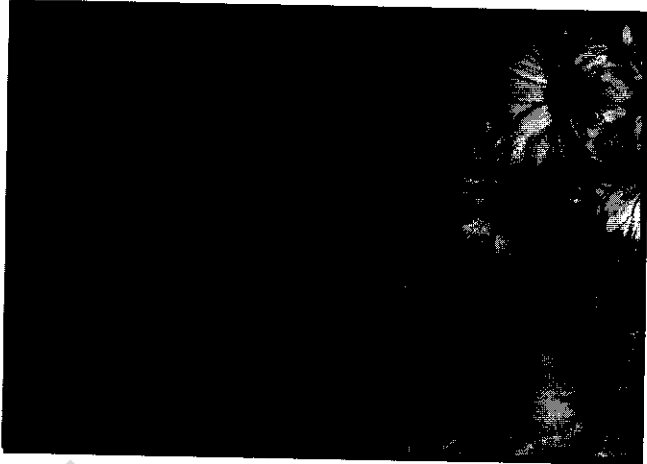
ارتباط انگارهای است که با آن دو نفر یکدیگر را می‌سنجند و همچنین وسیله‌ای است که به واسطه آن، این سطح می‌تواند برای هر دو تغییر کند. ارتباط شامل رشته کامل راه‌های رد و بدل کردن اطلاعات بین مردم است، و یا اطلاعاتی را که می‌دهند و می‌گویند و نیز راه‌های استفاده از این اطلاعات را در بر دارد. ارتباط نحوه معنا بخشیدن به این اطلاعات به وسیله مردم را نیز در برمی‌گیرد. ارتباط آموخته می‌شود، شاید تا وقتی که به سن پنج سالگی می‌رسیم، بیش از یک میلیارد تجربه شرکت در ارتباط را آموخته باشیم. در آن سن، از اینکه چگونه خود را ببینیم، از دیگران چه انتظاری می‌توانیم داشته باشیم و در دنیا، چه چیز به نظرمان ممکن یا ناممکن می‌آید، تصویرهایی پیدا کرده‌ایم. این تصورها راهنمای ثابتی برای بقیه عمر ما خواهند بود. (۱)

همین که آدمی دریافت همه ارتباط خود را از راه یاد گرفتن به دست آورده است، اگر دوست داشته باشد، می‌تواند برای تغییر آن دست به کار شود. ذکر این نکته سودمند است که هر طفلی که چشم به جهان می‌گشاید، تنها چیزی که همراه می‌آورد مواد خام است. او نه از خود مفهومی دارد. نه تجربه ارتباط با دیگران، و نه تجربه پرداختن به دنیای اطرافش. او همه این چیزها را از طریق ارتباط با کسانی که پس از تولد مسئول تربیت او هستند، می‌آموزد. (۲)

ارتباط مانند دوربین فیلم‌برداری مجهز به دستگاه صدا برداری است، فقط در زمان حال کار می‌کند؛ همین‌جا، همین حالا، بین من و تو.

ارتباط چنین عمل می‌کند: تو و من روبه‌روی هم قرار داریم. حواس تو درمی‌یابند که من چه شکل هستم، صدایم چگونه است، چه بویی می‌دهم، و اگر بر حسب اتفاق، سرا لمس کنی، چه

اگر مسئله آن‌ها لاینحل باشد. بی‌توجهی به این موضوع، اغلب ایجاد ناراحتی می‌کند: زن از مسائلش شکایت می‌کند و مرد راه حل نشان می‌دهد. در این شرایط، هرگز عجیب نیست اگر زن احساس کند که همسرش به صحبت‌های او گوش نمی‌دهد، مرد هم به این نتیجه برسد که زنش تنها قصد شکایت دارد؛ زیرا هرگز به راه‌حل‌های پیشنهادی او توجه نمی‌کند.



کردن و توجه به همسر نشان داده می‌شود. روشن است که این توانایی‌ها از نگرش صرف فراتر می‌روند و در حوزه ارزش‌گذاری فئاتانه و قدردانی احترام‌آمیز قرار می‌گیرند.^(۶)

معنای احترام این نیست که زن و شوهر عواطف و احساسات خود را، خواه به صورت خشم و سرسختی و ناراحتی روحی و خواه غیر آن، از یکدیگر پنهان و آن‌ها را به صورت عقده‌های روانی روی هم جمع کنند. خشم‌های سطحی و بگومگوهای مختصر و کوتاه بین زن و شوهر در زندگی زناشویی مانند رعد و برق است و همیشه پس از رعد و برق، باران می‌بارد و این باران درخت زناشویی را بارور می‌سازد.

همچنین احترام متقابل به معنای عدم انتقاد از یکدیگر نیست. گاهی لازم می‌شود به صراحت از رفتار نامناسب یکدیگر انتقاد کنند و از تندخویی بپرهیزند. در این صورت نیز باید به این نکته توجه کنند تا انتقاد آنان بی‌اثر و بی‌نتیجه نماند.

۲. درک و فهم متقابل

درک و فهم نیز فرایندی پیچیده است که همسران به وسیله آن اطلاعات متقاعدکننده و توضیح‌دهنده را از یکدیگر به دست می‌آورند. هنگامی که ابهام وجود دارد، می‌توان به همسران آموزش داد که این عبارت ساده را بیان کنند: «مطمئن نیستم که حرف‌هایت را به خوبی می‌فهمم، می‌توانی بیشتر توضیح بدهی؟» این جمله ظاهراً یک تقاضای ساده برای کسب اطلاعات بیشتر است. با وجود این، در معنای ظریف‌تر، همسران به اشاره می‌گویند: «من واقعاً تلاش می‌کنم که این مسئله را از دیدگاه تو ببینم.» در حقیقت، این همه آن چیزی است که درک و فهم به آن مربوط می‌شود؛ یعنی توانایی دانستن و درک همدلانه آنچه همسر تجربه کرده است. افزون بر این، نوعی پذیرش تجربه نیز هست. این به آن معنا نیست که همسران پیوسته با یکدیگر موافقت، بلکه به این معناست که آنان به چارچوب‌های داوری یکدیگر مشروعیت می‌بخشند. در اصل، هر فرد می‌داند که «متقاعد شده است»؛ یعنی طرفین در مفاهیم ارتباطی شرکت داده شده و مورد تأیید و موافقت قرار گرفته‌اند.^(۷)

۳. حساسیت

آگاه بودن از نیازهای همسر، یک جزء کلیدی در فرایند ارتباط است. متأسفانه به نظر می‌رسد که این کار نسبتاً مشکل است. افراد اغلب آن‌قدر به فکر خود هستند که حتی از شناخت خواسته‌های همسرشان نیز کوتاهی می‌کنند. در برخی موارد دیگر، آنان برای شنیدن نیازهای همسرشان به آسانی وقت صرف نمی‌کنند. اما زوج‌هایی نیز هستند که تصمیم می‌گیرند نسبت به یکدیگر حساس نباشند؛ چون می‌ترسند از سوی همدیگر مورد سوء استفاده قرار گیرند. در همه این موارد، نتیجه نهایی یکسان است: همسران

اما زوجی که از تفاوت زمینه‌های ارتباطی زن و مرد آگاهند، گرفتار این سوء برداشت از ارتباط نمی‌شوند؛ زیرا زن و مرد هر دو از مطلبی که دیگری مخایره می‌کند اطلاع دارند. وقتی شما و همسرتان از تفاوت‌های موجود در زمینه ارتباطی یکدیگر آگاه باشید، این تفاوت‌ها بسیار کمتر تولید اشکال می‌کنند و به زندگی علاقه و تنوع بیشتری می‌بخشند.^(۵)

«زمینه ارتباطی» هر فرد در حکم عینکی است که از پشت آن به همه اتفاقاتی که در زندگی رخ می‌دهد، نگاه می‌کند. اگر بدانند که او و همسرش از چگونه‌لنزهایی استفاده می‌کنند، به راحتی می‌توانند میان واقعیت‌ها و برداشت خود از واقعیت‌ها تمیز قایل شوند.

پایه‌های روابط

روابط صمیمانه درازمدت نیاز به آن دارد که فرد به شکلی کلی برای شریک زندگی خود ارزش قایل شود. ارزش قایل شدن را می‌توان به سه مهارت ارتباطی جداگانه تقسیم کرد:

۱. احترام متقابل

وقتی از احترام صحبت می‌کنیم، به نگرشی اشاره داریم که همسران در آن، برای همدیگر احترام بالایی قایل هستند و یکدیگر را منحصر به فرد و ارزشمند تلقی می‌کنند. علاوه بر این، همسران دارای این نگرش، دوست دارند احترامشان را بر زبان آورند و آن را به نوعی، عملی سازند. بنابراین، تعجب‌آور نیست اگر هنگام بروز تمایل برای حل مشکلات مربوط به زوج، شاهد احترام هستیم. احترام در اصلی‌ترین شکل خود، از طریق توانایی گوش

در شناسایی و یا ارضای نیازهای یکدیگر شکست می‌خورند و بنابراین، از هم دور تر و دور تر می‌شوند.^(۸)

ویژگی‌های روابط سالم و سازنده همسران

روابط سالم و صحیح زوجین زمانی میسر می‌شود که زوجین در امر مبادله اطلاعات و احساسات، مسائل خاصی را رعایت کنند. در این بخش، به این مسائل اشاره می‌شود:

۱. درک متقابل یکدیگر

شک نیست که زن و شوهر از دو خانواده و در دو فرهنگ جداگانه پرورش یافته‌اند. طرز فکرها، سلیقه‌ها، طرز تنگی‌ها و برداشت‌ها متفاوتند و ممکن است درباره هر مسئله اختلاف‌نظر وجود داشته باشد. در اختلاف‌نظر است که هر یک مدعی اتخاذ شیوه‌ای می‌شود و چون با همدیگر کنار نمی‌آیند، می‌گویند: همسر مرا درک نمی‌کند. این خود موجب پیدایش انفجار در زندگی خانوادگی است. اما اگر دو نفر بکوشند که یکدیگر را بشناسند و از علایق و اندیشه‌های یکدیگر آگاهی پیدا کنند، مطمئناً به موفقیت‌هایی دست می‌یابند.

در راه درک یکدیگر و رسیدن به تفاهم، زوجین باید به این اطمینان برسند که محبوب یکدیگرند و در بینشان پیوندی حقیقی وجود دارد.

این نکته را نباید فراموش کنیم اگر انتظارات افراد از دیگران با مقدرات آن‌ها برابری داشته باشد، آنجا درک کردن وجود دارد. در چنین موقعی، تلاش و کوشش و امید حرکت به وجود خواهد آمد. ولی وقتی انتظارات از حدود مقدرات فرد خارج باشد، درک کردن وجود ندارد و در نتیجه، سردی و یأس و سکوت به وجود خواهد آمد؛ به جای حرکت بیشتر، سکون و رکود جایگزین خواهد شد؛ زیرا وقتی کسی را درک نکرده باشیم، طرف مقابل دچار رنج و ملال شده، از حرکت و پویایی باز خواهد ایستاد.^(۹)

۲. تکریم یکدیگر

در زندگی مشترک زوجین، شاید رعایت آداب به صورتی کامل امکان‌پذیر نباشد، ولی وجود احترام متقابل برای آن‌ها اصلی اساسی است. درگیری‌ها و اختلافات آشکار هنگامی پدید می‌آیند که پرده حرمت فیما بین دریده شود و طرفین برای یکدیگر ارزش و احترامی قایل نباشند. مهم‌ترین شیوه برای جلوگیری از بروز درگیری‌ها در بین زن و شوهر تحکیم روابط و تکریم یکدیگر است. تکریم کردن زن به شوهر و بر عکس، طرفین را دل‌باخته و اسیر یکدیگر می‌سازد؛ آن‌چنان که هرگز از زندگی با همدیگر احساس سیری و خستگی نمی‌کنند و سعی دارند همیشه در کنار یکدیگر و دور از همه‌گونه فریب‌ها زندگی کنند. حرمت گذاردن به هم یک حُسن است و هر زن و مرد باید در جست‌وجوی نقاط مثبت در

زندگی همسر و تکریم او به خاطر آن نقطه مثبت باشد.^(۱۰) بزرگداشت و تکریم به شخصیت، برای همسران، بلکه هر انسانی یک نیاز طبیعی است. در اثر غریزه حب ذات که در طبیعت انسان نهاده شده، به ذات خویش علاقه دارد، میل دارد دیگران نیز شخصیت او را بپذیرند و گرامی بدارند.

اگر نیاز طبیعی به تکریم شخصیت هر فرد در خانواده تأمین شد، احساس آرامش می‌نماید و به نفس خویش اعتماد پیدا می‌کند. از توانایی‌های خود استفاده می‌نماید و با دل‌گرمی و امید به موفقیت و کسب رضایت سایر اعضای خانواده در مسیر زندگی قدم برمی‌دارد، به خانواده همسر و دیگر مردم خوش‌بین می‌شود و آنان را قدرشناس و قابل اعتماد می‌داند و از همکاری با افرادی که قدر او را شناخته و شخصیتش را گرامی می‌دارند، هراسی ندارد.^(۱۱) همسری که مورد تکریم و احترام خانواده قرار گرفته است، به خانواده خود عشق می‌ورزد و در احترام متقابل همسر خود، از هیچ کوششی دریغ نمی‌کند.

انسان برای حفظ کرامت ذات و مقام و موقعیت خود، حاضر می‌شود حتی از خواسته‌های درونی خویش چشم‌پوشی نماید. در احادیث معصومان علیهم‌السلام نسبت به این امر نیز اشاره شده است. امیرالمؤمنین علیه‌السلام می‌فرماید: «هر که نفس خویش را گرامی بدارد، او را به ذلت معصیت نمی‌کشاند.»^(۱۲)

ایشان همچنین می‌فرماید: «هر که نفس خویش را گرامی بدانند، ترک خواسته‌های نفسانی برایش آسان خواهد بود.»^(۱۳)

اگر این نیاز طبیعی در چارچوب روابط سالم همسر تأمین نشود، بلکه بر عکس، همسر مورد تحقیر قرار گیرد و به شخصیتش ضربه وارد شود، خود را ضعیف و ناتوان و همسر خود را قدرناشناس به حساب می‌آورد؛ چون از همسر و خانواده احترام ندیده است، نسبت به همسر خود بدبین می‌شود. در این زمان است که سوءظن‌ها و بدبینی‌ها سراسر وجود او را می‌گیرد و درصدد انتقام‌جویی برمی‌آید. از این رو، در احادیث معصومان علیهم‌السلام در مورد کسانی که مورد تحقیر قرار گرفته‌اند و عزت نفس آن‌ها مورد خدشه واقع شده، روایات بسیاری وارد شده است.

امیرالمؤمنین علیه‌السلام می‌فرماید: «هر که نفس خویش را پست بدانند، خیری از او امید نمی‌رود.»^(۱۴)

در حدیثی دیگر امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید: «هیچ‌کس تکبر و طغیان نمی‌کند، مگر در اثر ذلتی که در نفس خویش احساس می‌کند.»^(۱۵)

۳. چشم‌پوشی از خطاها

بیشترین سفارش اسلام در مورد مسائل خانوادگی، در زمینه گذشت و اغماض هریک از زن و شوهر در لغزش‌ها، کج‌خلقی‌ها و اشتباهات یکدیگر است؛ زیرا زن و شوهر دو انسانی هستند که همانند همه انسان‌های دیگر، روحیات و طرز تفکرهای دوگانه دارند. آن‌ها که

مدعی اند ما در همه موارد یک طرز تفکر داریم و در همه مسائل موافق و هماهنگ هستیم، شاید هنوز زمینه و موقعیت برایشان پیش نیامده است که خصنت‌های واقعی همدیگر را بشناسند، ضمن آنکه اگر زن و شوهری با روحیه مشترک پیدا شوند، باز هم هیچ‌کدام از اشتباه و خطا و عصبانیت مصونیت ندارد. از اینجاست که اهمیت گذشت و تأثیر آن در تداوم روابط سالم آشکار می‌شود. (۱۶)

وجود عفو و گذشت به یقین کانون خانواده را گرم نگاه می‌دارد، عشق و محبت را سرزنده می‌کند و اختلاف و مشاجرات را به پایان می‌برد. عفو و گذشت نشانه حسن نیت و خوش‌بینی به زندگی است. عفو و اغماض به طور قطع، در عواطف دو طرف اثر خوبی می‌بخشد و در طرز تفکر و شیوه عمل آن‌ها تحوّل ایجاد خواهد کرد. چه بسیار تیرگی‌ها که در پرتو این صفت از میان برخاسته و جای خود را به صفا و صمیمیت داده است. (۱۷)

زن و شوهر، هر دو باید توجه داشته باشند که انسان به این سادگی و سرعت، توان رسیدن به آگاهی و بی‌بردن به خطاها و اشتباهات خود را ندارد، باید با شیوه‌ای بسیار لطیف و با روشی بسیار ملایم و دقیق او را به قله آگاهی رسانید، خداوند در قرآن کریم سفارش می‌کند که از خطای دیگران چشم‌پوشی کنید بلکه خضای آنان را نادیده بگیرید.

«وَلْيَعْفُوا وَلْيَصْفَحُوا أَلَا تُحِبُّونَ أَنْ يَتُوبَ إِلَهُكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ» (نور: ۲۲)؛ باید عفو کنید و چشم‌پوشید، آیا دوست نمی‌دارید خداوند شما را ببخشد؟! و خداوند آمرزنده و مهربان است.



۴. برخورد منطقی

از ویژگی‌های روابط سالم و سازنده همسران این است که در عین انتقاد و اعتراض‌هایی که به عملکرد یکدیگر دارند، با همسرشان برخوردی انسانی و منطقی دارند. در مواردی ممکن است شما قدرت داشته باشید حرف خود را بر کرسی بنشانید و برتری خود را اثبات کنید و حتی آبروی همسران را به خطر اندازید، ولی قدرت منطقی و رفتار متصفانه مانع از وقوع چنین امری می‌شود.

همچنین ممکن است توقع حقی را از همسر خود داشته باشید، ولی وقتی یا دیدی منطقی به آن می‌نگرید، درمی‌یابید که وصول

به آن امکان‌پذیر نیست و از عهده همسران خارج است. متأسفانه برخی از افراد به دست و پای همسر خود می‌آویزند و نیروی حرکت او را می‌گیرند و یا او را از کار می‌اندازند تا به خواسته و هدف خود برسند. به نظر می‌رسد اگر فردی این چنین به هدف خود دست یابد، از آن سودی نخواهد برد و در واقع، محروم و ناکام خواهد ماند، ضمن اینکه همسرش را از خود گریزان کرده است.

تعادل در زندگی مشترک زمانی برقرار می‌شود که روابط متقابل بر پایه‌های عقلانی استوار باشد. آدمی به دلیل حب نفس (خودپرستی)، پیوسته گرایش به جانب منافع شخصی دارد و سیاست جلب منفعت و دفع ضرر را بر خط مشی‌های دیگر ترجیح می‌دهد. چنین نگرشی در زندگی دوران تجرد، تا حدی عملی و امکان‌پذیر است، ولی در زندگی مشترک، با لحاظ پیدایش روابط و مناسبات جدید، سلیقه‌های شخصی زن و شوهر در تقابل با یکدیگر قرار می‌گیرند؛ چون هریک از درجه منفعت شخصی به زندگی می‌نگرد و ترجیحات او از نوع نفسانی است تا عقلانی. (۱۸)

در چنین شرایطی، اگر زوجین دارای اخلاق ملایم و تربیت صحیحی باشند، می‌توانند به جای اعمال سلیقه شخصی و حاکمیت زور و قدرت در عرصه زندگی، پایه‌های استوار و مطلوبی برای حل اختلاف سلیقه‌های خود بیابند و منطبق در صحنه زندگی‌شان حاکم باشد. زوجین، بخصوص مردها، باید این واقعیت را بپذیرند که هرگز اعمال قدرت، قدرت نمی‌آفریند، بلکه از زور و قدرت باید زمانی استفاده کنند که از راه‌های دیگر مایوس گردیده باشند. (۱۹)

۵. رعایت احکام و ارزش‌های الهی در زندگی

بسیاری از اختلافات و درگیری‌ها بدان دلیل است که طرفین به اصول و ارزش‌های دینی و اخلاقی خود و همسرشان پایبند نیستند و هرگونه خلاف و ناشایستی را مرتکب می‌شوند، بدون اینکه از آن اندیشناک باشند. حفظ عفت و تقوا برای ادامه زندگی سالم ضروری است. زن و شوهر در این رابطه، باید مراقبت‌هایی داشته باشند و ارزش‌های دینی را رعایت کنند. اهم مسائلی که در این زمینه باید مورد نظر زنان و مردان باشد عبارت است از:

الف. حفظ عفاف: نه تنها از دید مذهب، بلکه از دید مادی هم برای تداوم حیات زناشویی حفظ تقوا و عفاف ضروری است. این واقعیتی است که همسران پس از ازدواج در رابطه با همسر خود مالکیتی قایلند و دوست دارند همسرشان تنها از آن خودشان باشد، حتی نگاهش، خنده‌اش، معاشرت نیکویش انحصاراً از آن او باشد. شخصیت زن و شوهر در رابطه با حیات خانوادگی، باید در سایه پاک‌دامنی ارزیابی و محاسبه شود و اگر طرفین نتوانند در این راه قدمی بردارند و یا اگر به گونه‌ای عفاف همدیگر را خدشه‌دار کنند، برای همدیگر کفو (همسنگ) نخواهند بود. مرد با رعایت تقوا و حفظ عفت خود، می‌تواند زن خویش را از آسیب و تجاوز نامحرمان

حفظ کند و با مراقبت‌های خویش، او را از خطرات گوناگون دور بدارد؛ چنانکه قرآن می‌فرماید: «هُنَّ لِبَاسٌ لَكُمْ وَأَنْتُمْ لِبَاسٌ لَهُنَّ» (بقره: ۱۸۷)؛ آنان (زنان) لباس شما هستند و شما (مردان) لباس آنانید. همسران عقیف لباس و پوشش همدیگرند. و این زیبا ترین و در عین حال، کامل ترین تعبیری است که خالق مٲان دربارهٔ حفظ عفت یکدیگر و نحوهٔ روابط همسران بیان فرموده است.

ب. لغو معاشرت‌های بی‌حساب: زن و شوهر پس از ازدواج، در حصن و حصاری قرار می‌گیرند که خداوند برایشان معین نموده است. خنده و معاشرتشان، حتی با محارمشان تحت ضابطه درمی‌آید تا سبب سوءظن‌ها و تحریک‌ها و بددلی‌ها نشود.

مرد حق ندارد با هر زنی بگوید و بخندد، بدان حساب که چشم و دلم پاک است. زن هم حق ندارد با هر اجنبی مشاوره یا سخن داشته باشد، بدان دلیل که او را قصدی نیست. دست و چشم و گوش و دل بیش از پیش باید در فرمان خدا باشند و معاشرت‌ها، خنده‌ها، نگاه کردن‌ها و سخن گفتن‌هایشان به گونه‌ای نباشد که موجب برانگیختن غیرت‌ها و حسادت‌ها گردند. (۲۰)

ج. دوری از مواضع اتهام: رعایت ارزش‌های الهی از سوی زن و شوهر و پاک‌ی و طهارت آن‌ها سعادت خانواده را تضمین می‌کند. این خطاست که انسان به گونه‌ای عمل کند که در موضع اتهام قرار گیرد.

۶ پایه‌گذاری روابط بر اساس ایثار

اگرچه آشنایی به حقوق در روابط زناشویی و رعایت حقوق متقابل، همسران را از سردرگمی نجات داده، وظایف هر یک را مشخص می‌کند، اما نباید این نکته فراموش شود که محیط خانه را نمی‌توان همانند محیط سربازخانه دانست و یا نمی‌توان ضوابط اداری را در خانه مورد عمل قرار داد. خانه مرکز صفا و صمیمیت و انس است؛ در عین رعایت تکالیف، باید بر اساس ایثار و فداکاری اداره شود.

در روابط همراه با ایثار، سخنی از فخر فروشی نیست؛ توقعات خارج از اندازه وجود ندارند؛ زن و شوهر در پی آن نیستند که رتبه و مقام خود و مال و زیبایی خویش را به رخ دیگری بکشند.

در روابط همراه با ایثار، هرچه هست، صفا و گذشت است، صمیمیت و اخلاص است، و طرز برخورد‌ها به گونه‌ای است که گویی طرفین در هاله‌ای از قداست و نور قرار دارند و حیا‌تشان شبیه حیات فرشتگان است، نه جانورانی که داریم درصدد آزار و ایزدای یکدیگرند.

یکی از جنبه‌های ایثار و فداکاری همیاری و همکاری مرد با زن در کارهای خانه است. اگر مرد به دنبال ایجاد محبت و مودت در دل همسر خود باشد، باید در خانه همکار همسر خود باشد.

روزی حضرت رسول اکرم ﷺ به خانهٔ حضرت علیؓ وارد شدند. حضرت علی و فاطمهؓ را دیدند که به کمک یکدیگر، با آسیاب دستی آرد می‌کنند. پیامبر اکرم ﷺ فرمودند: کدام یک خسته‌ترید؟

حضرت علیؓ عرض کردند: فاطمه خسته‌تر است. پیامبر اکرم ﷺ به او فرمودند: برخیز، دخترم. فاطمهؓ برخاستند و پیامبر به جای او نشستند و حضرت علیؓ را در آرد کردن کمک نمودند. (۲۱)

عوامل مؤثر در ایجاد روابط سالم

۱. شناخت حقوق متقابل

اصولاً خانواده‌ای سالم است که محیط سالمی برای سعادت زن و شوهر و فرزندان باشد، و این مقصد قابل وصول نیست، مگر آن‌گاه که طرفین به تعهداتی پای‌بند باشند؛ در هر جا که اشتباهی و لغزشی پدید آمد، توقف کنند، و با تلاش برای تطبیق خود با ضوابط و قواعد، دوباره به پیش بروند. افرادی هستند که در اثر عدم آگاهی از ضوابط و حقوق و یا بی‌توجهی به اصول حیات مشترک، داریم دچار درگیری و اختلاف بوده، فرصت عمر را، که باید صرف خودسازی شود، در راه مشاجره و اختلافات می‌گذرانند.

در زندگی زناشویی، در عین اینکه اصل بر مودت و صفا و ایثارگری است، اما این اصل نباید فراموش شود که میزان خواسته‌ها و توقعات و تلاش‌ها نمی‌تواند بی‌حساب و بر اساس سلیقهٔ شخصی باشد. اگر بخواهید در زندگی زناشویی و در کنار همسر حقی را به خود اختصاص دهید، ناگزیرید همان

حق را برای همسران نیز قایل باشید و شک نیست مادام که شما ادای حق همسر را نکرده‌اید، نخواهید توانست توقع ادای آن را از او داشته باشید.

شناخت حقوق متقابل و توجه به این حقیقت که اگر برای یک فرد حق در نظر گرفته می‌شود برای طرف مقابل، مسئلهٔ تکلیف مطرح است که باید به آن تکلیف عمل کند، زندگی را از زوایای تاریک بیرون می‌آورد و ابعاد و وظایف هر دو طرف را روشن می‌کند. اسلام برای هر یک از اعضای خانواده، حقوق خاصی معین کرده است که در صورت آشنایی با این حقوق، تکلیفی را در مقابل این حقوق باید بر دوش بگیرند. ضروری است زن و شوهر هر کدام حقوق و وظایفی که در قبال یکدیگر دارند مورد مطالعه و بررسی قرار دهند تا بتوانند در قبال یکدیگر موضعی نیکو اتخاذ کنند. آگاهی به حقوق و وظایف خود، مقدمه عمل است و جلوی بسیاری از اختلافات و درگیری‌های فیما بین را می‌گیرد.

در روابط همراه
با ایثار، سخنی از
فخر فروشی نیست؛
توقعات خارج از
اندازه وجود ندارند؛
زن و شوهر در پی آن
نیستند
که رتبه و مقام خود
و مال و زیبایی خویش
را به رخ دیگری بکشند.

۲. شناخت خواسته‌ها و نیازهای همسر

خواسته‌ها و نیازهای انسان حد و مرزی ندارد؛ بخشی از آن‌ها جنبه تخیلی و غیر منطقی دارد که فرد به غیر ممکن بودن آن‌ها واقف است، اما گاهی در تخیل به آن‌ها می‌پردازد و از نظر روانی به نوعی آرام و دل‌خوش می‌گردد و از این طریق، تخلیه روانی می‌کند. بخشی دیگر نیز به نیازها، خواسته‌ها و انتظارات او از خود و دیگران برمی‌گردد.

آن قسمتی که مربوط به خواسته‌ها و نیازهای فرد از خود است و جنبه عملی و منطقی دارد، موجب انگیزه و در نتیجه، تحرک و فعالیت او می‌شود. بخشی که مربوط به دیگران است، مشخص نیست که آیا برآورده می‌گردد یا خیر؟ این خواسته‌ها و نیازها نیز می‌تواند منطقی و واقعی باشند یا حد و مرزی نداشته باشند.

در روابط بین زن و شوهر، به دلیل اشتراک در همه زمینه‌ها، خواسته‌ها و نیازهای متقابل وجود دارند که بخشی از آن‌ها طبیعی و منطقی است و معمولاً در بیشتر زندگی‌ها یکسان است. با این وصف، این بستگی به نوع شخصیت افراد دارد که بتوانند خواسته‌های طبیعی خود را ابراز کنند و حد و مرز آن را نیز حفظ نمایند. آگاهی به اینکه چه نوع و چه میزان انتظارات، خواسته‌ها و نیازهای زن و شوهر از یکدیگر شکل طبیعی و منطقی دارند، از نکات مهمی است که باید به آن توجه دقیق داشت. (۲۲)

فردی که از همسرش توجه، عاطفه و محبت می‌خواهد باید توجه داشته باشد که دیگری نیز این حق را دارد که چنین انتظاری داشته باشد. از سوی دیگر، درک نیازهای واقعی و طبیعی همسر به دور از اینکه به آن اعتقاد داشته باشد یا نه، برآورده کردن آن موجب رضایت از زندگی می‌شود و بی‌توجهی به آن خودخواهی است. (۲۳)

اگر مردی دوست دارد که در هر فرصتی به گردش و مسافرت برود، باید به این امر توجه داشته باشد که همسر او نیز چنین نیازی دارد و داشتن فرزند و مسئولیت خانه‌داری نمی‌تواند دلیلی بر این باشد که زن فرصت گردش و مسافرت ندارد و یا همیشه باید در خانه بماند. گاهی اتفاق می‌افتد که در کشمکش‌ها و در برآورده نشدن خواسته‌ها و نیازها، به مقایسه زندگی‌های دیگران پرداخته می‌شود. اگرچه - همان‌گونه که گفته شد - بخشی از خواسته‌ها و نیازهای زن و شوهر از یکدیگر جنبه‌های مشترک دارند، اما بخش‌های دیگر تنها اختصاص به آن خانواده دارد. ضمن اینکه هر زندگی مشکلات و کشمکش‌های خاص خود را دارد و هر خانواده سعی می‌کند ضمن حفظ ظاهر در جامعه، برای رعایت احترام دیگران به خود، زندگی خود را مطلوب و خوشایند نشان دهد. از این‌رو، مقایسه زندگی خود با دیگر زندگی‌ها نه تنها مشکلی را حل نخواهد کرد، بلکه باعث بروز کشمکش‌های بیشتری خواهد شد. (۲۴)

۳. همسویی بینش‌ها و باورهای مذهبی

یکی از شرایط ازدواج در اسلام «کفو» بودن است و اولین مرتبه از کفویت، همسانی در مذهب و دین. مسلمان نمی‌تواند با کافر ازدواج کند. اختلاف در مذهب یکی از عوامل مهم درگیری و از هم پاشیدگی است. اگر مسلمانی را می‌بینید که با فردی بی‌دین ازدواج کرده است و زندگی‌شان در کمال مهر و آرامش می‌گذرد، مطمئن باشید که آن مسلمان از اصول و ارزش‌های خود صرف‌نظر کرده است و در حفظ و دفاع از آن‌ها کوتاه می‌آید.

زندگی یک مسلمان بر اساس اسلام و فرهنگ اسلامی صورت می‌گیرد و کارهای غیر مسلمان بر اساس فرهنگ غیر اسلامی او در زندگی مشترک، باید مواضع مشترک وجود داشته باشند. چگونه دو نفر، که دارای دو فرهنگ متضادند، می‌توانند در مقام اجرا و عمل هماهنگ باشند؟ بنابراین، یا کارشان به اختلاف و نزاع می‌کشد و یا یک طرف دست‌کم، باید از مواضع خود صرف‌نظر کند. (۲۵)

اینجاست که اسلام در آغاز ازدواج، مسئله کفو بودن در مذهب و دین را مطرح کرده است تا علاوه بر جنبه‌های معنوی دیگر، کانون خانواده از گرمی و عاطفه مذهبی نیز برخوردار باشد.

بدون تردید، از مهم‌ترین عوامل پیوند پایدار و ازدواج موفق و زندگی آرام، همسویی بینش‌ها و باورهای دینی و پایبندی عملی زوجین به ارزش‌ها و فرایض شرعی است. بر همین اساس، مردان و زنان خداپاور و پاک‌اندیش در آرزوی داشتن همسری مؤمن و نیک سیرت و عامل به ارزش‌های قرآنی هستند. چنین گرایشی در امر روابط خانوادگی، برخاسته از نهاد پاک و فطرت کمال‌جوی ایشان است و از همین روست که خداوند متعال بهترین ازدواج را وصلت پاکان و متقیان با یکدیگر می‌داند: «الطَّيِّبَاتُ لِلطَّيِّبِينَ وَ الطَّيِّبُونَ لِلطَّيِّبَاتِ» (نور: ۲۶): زنان پاک از آن مردان پاک، و مردان پاک از آن زنان پاکند.

خصیلت‌های پاک بشری - این عظیم‌ترین سرمایه‌های وجود - ناشی از خداپاوری و تقوای پیشگی هستند و تقوای پیشگی نیز حاصل توحید و معاد اندیشی. به بیان دیگر، نزد زنان و مردان پاک‌دل، ارزشمندترین معیار برای روابط سازنده، همسری همراه و همدلی نیک سرشت، خداپرستی و معاد باوری است، و این خصایص از گران‌قدرترین و پایدارترین جاذبه‌ها در زندگی زناشویی هستند. (۲۶)

کم‌توجهی و یا بی‌توجهی به این امر مهم در روابط، به معنای بنای ستون‌های کانون زندگی بر زمینی سست و ناپایدار است. چگونه ممکن است که از همان آغازین روزهای زندگی مشترک، زن سحرگهان و با نغمه اذان برخیزد و نماز صبح بگذارد و مرد همچنان تا ساعتی پس از طلوع آفتاب در بستر آرمیده باشد و یا به عکس؟! (۲۷)

بنابراین، حفظ و تقویت مستمر و تعالی باورها و ارزش‌های مذهبی توسط زوجین از مهم‌ترین عوامل مؤثر و قوی‌ترین جاذبه‌های زندگی مشترک است و برخورداری از اندیشه مذهبی مشترک و همگانی و همراهی در التزام به فریضه‌های مذهبی، زیباترین «حلقه روابط سازنده» را به همسران ارزانی می‌دارد.

۴. هماهنگی دیدگاه‌های سیاسی، فرهنگی و اجتماعی

از جمله عوامل مؤثر در ایجاد روابط سالم و سازنده میان همسران، هماهنگی و همسویی دیدگاه‌های اجتماعی و باورهای فرهنگی آنان است.

به یقین، آنان که از نظر اعتقادات و بینش‌های عمیق دینی و رفتارهای متعالی مذهبی، همسویی کامل دارند، در نگرش‌ها و برداشت‌های اجتماعی و فرهنگی نیز از اندیشه و زبان مشترک برخوردار خواهند بود. برای مثال، زمانی که مباحثی همچون تحصیل و کار و فعالیت اجتماعی زنان در عرصه‌های مختلف مطرح می‌گردد، ایشان براساس مبانی و ارزش‌های اسلامی و معیارهای قرآنی و به دور از تعصبات فردی و جنسیتی و مشاجرات و جدال‌های بیهوده، به صراحت و آسانی، مواضع فکری مشترک و مشابهی اعلام می‌دارند و با صداقت و صلابت، از جایگاه و منزلت زنان به عنوان آرامشگران کانون خانواده سخن می‌گویند و بر این باورند که به هنگام ضرورت و بر حسب استطاعت، زنان آماده خدمت به جامعه در عرصه‌های تعلیم و تربیت و بهداشت و درمانگری خواهند بود. اینان هرگز تحصیل و تحقیق را در انحصار مردان نمی‌بینند و در ارتباطات اجتماعی، انتخاب شیوه زندگی و فرزندپروری نیز آراء مشابهی دارند.^(۲۸)

در زمینه سیاسی، افراد بعضاً خود را تابع یک «ایسم» یا یک مکتب می‌دانند و حتی ممکن است در این رابطه و در طرف‌داری از آن مکتب، داغ شوند و شعارهایی نیز بدهند. اگر طرز تفکر زوجین در مسائل سیاسی واحد نباشد، چه بسا منجر به اختلافات گردیده، این اختلافات بر روابط سالم آسیب وارد کند. طرز تفکر درباره اصل حکومت و هیئت حاکمه، مسئولان اجرایی کشور، خوش‌بینی و یا بدبینی نسبت به آن‌ها، اعتقاد به درستی یا نادرستی کارگزاران جامعه و در نهایت، موضع‌گیری‌های مثبت یا منفی در رابطه با رهبری باید واحد باشند.

موضع‌گیری‌های سیاسی، که منشأ عقیدتی داشته باشند، نقش مهمی در ایجاد هم‌دلی و هم‌فکری همسران در زندگی خانوادگی دارند. تاریخ انقلاب اسلامی کشورمان در این زمینه بهترین نمونه است. چه بسا مادری که فرزندان خود را به دادگاه‌ها معرفی کرده، روانه زندان نموده‌اند و چه بسا خانواده‌ها که در اثر اختلاف فکری در رابطه با انقلاب و رهبری، از هم جدا شده‌اند. همسرانی که نقطه نظرهای سیاسی مشترکی درباره نظام و رهبری

داشتند، در ایجاد آرامش در محیط خانه برای همسر خود، از هیچ کوششی دریغ نمی‌کردند تا همسر خود بهتر بتواند بیرون از خانه با خاطری آسوده انجام وظیفه کند.

هماهنگی در زمینه فرهنگی نیز در ایجاد روابط سالم و سازنده نقش مهمی دارد. اگر زن و شوهر هنگام ازدواج، همان‌گونه که کفو بودن در اعتقادات دینی را لحاظ نموده‌اند، کفو بودن در فرهنگ و سطح فکر را نیز مراعات کرده باشند، یعنی با خانواده‌ای ازدواج کنند که در آن طرز فکرها و طرز تلقی‌ها از امور و حوادث و آداب و رسوم و خلیقات و ارزش‌های مورد پسندشان شبیه به همدیگر است، اختلافی نخواهند داشت.

در نظر گرفتن سطح تحصیلات می‌تواند در این زمینه مؤثر باشد. بعضی افراد در آغاز ازدواج، به فکر فردای خود نیستند. جنبه‌هایی را برای انتخاب همسری می‌پذیرند که ممکن است در آینده در روابط آنان ایجاد مشکل کند. مردی که دارای تحصیلات عالی است، یا زنی بی‌سواد یا کم‌سواد ازدواج می‌کند، پس از چندی به فکر ارزیابی خود و او می‌افتد و می‌کوشد برتری علمی خود را ثابت کرده، نشان دهد که زن درک و فهم کافی و کفویت لازم را برای زندگی با او ندارد. همین موجب بروز درگیری‌های و خدشه‌دار شدن روابط سالم او و همسرش می‌گردد.

۵. گفت‌وگوهای متقابل و بیان احساسات

زوج‌ها باید با کلام و با احساس، با یکدیگر ارتباط برقرار سازند تا صمیمیت و صفا در بین آن‌ها حاکم شود. بسیاری از افراد هرگز برای همسر خود ابراز احساسات نمی‌کنند، می‌ترسند که رفتارشان احمقانه به نظر برسد، فکر می‌کنند که ابراز احساسات نوعی رفتار بچه‌گانه و در بعضی موارد، نوعی ریسک کردن است و با طرح احساسات خود آسیب‌پذیر می‌شوند. اغلب زن‌ها از ارتباط با همسرشان شکایت دارند، ولی هیچ اقدامی برای بهتر شدن این روابط انجام نمی‌دهند؛ آنچه در درون خود دارند بیان نمی‌کنند.

وقتی زن و شوهر احساس خود را با همدیگر در میان می‌گذارند، به تدریج با هم دوست می‌شوند و از حالت صرفاً زن و شوهر و عاشق و معشوق بیرون می‌آیند. این عنصر دوستی را اغلب زوج‌هایی که با یکدیگر روابط حسنه دارند به زبان می‌آورند: «ما دوستان خوبی هستیم. می‌توانیم درباره هر موضوعی با هم حرف بزنیم.» از آنجا که اغلب ازدواج ما در اثر جاذبه‌های جنسی شروع می‌شود و پای دوستی در میان نیست، بعضی از زوج‌ها هرگز دوست خوب بودن را نمی‌آموزند.^(۲۹)

دوست خوب بودن مستلزم در میان گذاشتن نقطه نظرها، فعالیت‌ها و احساسات، بدون داشتن احساس مالکیت و داوری است. امروزه بسیاری از زوج‌های جوان نمی‌خواهند پای دوستی را به روابط زناشویی بکشند؛ معتقدند که ماهیت دوستی تغییر می‌کند و آن‌ها مایل نیستند که روابط زناشویی خود را به خطر بیندازند.

همان‌گونه که غریزه جنسی عامل اساسی در پیدایش خانواده و زندگی مشترک است، همین غریزه در استمرار و استحکام خانواده نیز نقش مهمی دارد.

تحقیقات انجام شده حاکی از آن است که بخش معظمی از طلاق‌ها معلول عدم ارضای جنسی صحیح و متعادل این غریزه می‌باشد. سرد مزاجی زنان یا مردان و یا بی‌اهمیتی به ارضای صحیح و طبیعی غریزه جنسی، خانواده تشکیل شده را در آستانه طلاق قرار می‌دهد.^(۳۱) روابط زناشویی با ارضای غریزه جنسی فرق دارد. چه بسیارند افرادی که به عمل زناشویی اقدام می‌کنند، ولی به هیچ‌وجه غریزه جنسی آنان ارضا و اشباع نمی‌گردد. به عبارت دیگر، تحقق ارضای جنسی تنها در ارتباط با برقراری روابط جسمی نیست، بلکه احتیاج به آمادگی جسمی و روحی دارد.

مردان باید بدانند زنان تنها به دفع عمل جنسی نیاز ندارند، بلکه از نظر روحی و تمایلات زنانه، احتیاج دارند که از طرف مردان به عنوان زن بودن و تمایلات زنانگی مورد تأیید قرار گیرند. مرد پیش از عمل جنسی، باید با ابراز اعمال و رفتاری که نشانگر بازی و شوخی است، زن را برای عمل جنسی مهیا سازد. نتیجه دیگری که از این رهگذر عاید می‌گردد، آن است که زن تمام شخصیت زنانه خود را در این حالت حس می‌کند و می‌فهمد که شریک زندگی مرد بوده، همتای اوست.^(۳۲)

بسیاری از مردان بدون توجه به این نکات عاطفی و روانی، زن را در بنوع جنسی و لذت جنسی یاری نمی‌دهند، بلکه شخصیت او را تنزل داده، عملاً او را در حد یک وسیله و ابزار پایین می‌آورند. امام صادق علیه السلام از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل می‌کند که فرمود: «هرگاه مردی بخواهد با همسرش هم‌بستر شود، نباید در انجام این کار شتاب کند.»^(۳۳)

امام صادق علیه السلام همچنین می‌فرمایند: «هرگاه یکی از شما اراده کرد با همسرش هم‌بستر گردد، باید پیش از شروع، با همسرش ملاحظه و مداعبه داشته باشد.»^(۳۴)

ملاحظه و مداعبه یعنی بازی و شوخی‌های مناسب و نشاط‌انگیز پیش از هم‌بستر شدن با همسر. این کار عمل جنسی را پاکیزه‌تر و لذت بخش‌تر می‌کند و به عبارت دیگر، با این کار، آمادگی زنان در وصول به اوج لذت جنسی تشدید می‌گردد و رضایت خاطر آن‌ها محسوس‌تر خواهد شد.

حضرت علی علیه السلام فرمودند: «هرگاه یکی از شما اراده کرد که با همسرش هم‌بستر شود، نباید در انجام این کار شتاب نماید، زیرا زنان نیازمندی‌هایی دارند.»^(۳۵)

روشن است که ناز و کرشمه خریدار می‌طلبند و مردان باید با برگزاری مقدماتی به عنوان ملاحظه، زنان را در وصول به اوج لذت جنسی یاری رسانند، بخصوص آنکه این کار در آماده ساختن ترشحات و هورمون‌های جنسی زنان نقش مهمی دارد.



متأسفانه این باور بدی است که بسیاری از زوجها معتقدند زن و شوهر نمی‌توانند دوستان یکدیگر باشند.^(۳۶)

بیان احساسات و گفت‌وگوهای متقابل در شناخت بهتر آن‌ها بسیار ضروری است. مردی را در نظر بگیرید که از شرکت در مهمانی‌ها و برنامه‌های اجتماعی متنفر است، در مقابل، همسر او این برنامه‌ها را دوست دارد. هر بار که در یک مهمانی شرکت می‌کنند، مرد بدون اینکه با کسی حرف بزند، تک و تنها در گوشه‌ای می‌نشیند، ولی زن به شدت با دوستانش گرم می‌شود و بعد در راه مراجعت به خانه زن از رفتار غیر اجتماعی شوهرش عصبانی می‌گردد و مشاجرات شروع می‌شوند. اما اگر مرد احساس خود را برای همسر خود بیان کند که «دوست دارد او هم با دیگران رفتار گرم و صمیمی داشته باشد و به شیوه همسرش غبطه می‌خورد، ولی به علت خجالتی بودن نمی‌تواند این‌گونه رفتار کند» چنین مشاجراتی پیش نمی‌آید.

۶. ارضای نیاز جنسی

بدون شک، اگر انسان‌ها فاقد غریزه جنسی بودند، تن به ازدواج و تشکیل خانواده نمی‌دادند و هرگز از کانون گرم خانواده جدا نمی‌شدند و مسئولیت‌های دشوار زندگی مشترک را نمی‌پذیرفتند. همه انسان‌ها بر اساس کشش و جاذبه غریزه جنسی به ازدواج می‌پردازند و بدین وسیله، نسل بشریت استمرار و دوام پیدا می‌کند. نکته بسیار حساسی که توجه به آن ضروری است، اینکه

۷. تنظیم رابطه صحیح بین دو خانواده

دختر و پسری که از کودکی در دامن خانواده‌ای رشد یافته است، نمی‌تواند و نباید خانواده خود را به راحتی و سادگی فراموش کند. احساسات و عواطف هر فرد در مورد خانواده‌اش، حتی اگر خاطراتی ناخوشایند نیز داشته باشد، ریشه‌دار و عمیق است.

از آنجا که دل‌بستگی دخترها به خانواده خود و نیازشان به دیدار خانواده بیشتر است، دل‌تنگی و غمگینی در دخترانی که پس از ازدواج ناچار به ترک بستگان و شهر خود هستند، بیشتر بروز می‌کند. از این رو، زن و شوهری که ازدواج می‌کنند، نباید چنین انتظاری از یکدیگر داشته باشند که با افراد خانواده خود قطع رابطه کنند و یا در این مورد اعتراضی داشته باشند و یا چنین تلقی شود که رابطه هر کدام با خانواده خود دلیلی بر بی‌مهری و بی‌توجهی او به همسرش است. البته میزان این روابط باید به گونه‌ای باشد که خللی به روند زندگی زناشویی زن و شوهر وارد نسازد و موجب غفلت و یا کوتاهی از انجام وظایف زندگی مشترک نشود.

در صورت امکان، بهتر است که زن و شوهر به اتفاق همدیگر با خانواده‌های خود رفت و آمد داشته باشد، اگرچه از نظر روانی لازم است که گاه زن و شوهر به تنهایی با خانواده‌های خود معاشرت کنند و به گفت‌وگوهای خصوصی و خانوادگی بپردازند. (۳۶)

مسئولیت تنظیم روابط و رفتار مناسب و درست زن و شوهر با دو خانواده بر عهده فرزند آن خانواده است که نقش مهمی در ایجاد رابطه‌ای صمیمی و دوستانه بین همسر و خانواده خود دارد و شخص اوست که باید به گونه‌ای رفتار کند که محبت و صمیمیت بیشتری بین آن‌ها برقرار شود. ذکر نکات مثبت همسر در زندگی مشترک و مطرح نکردن نکات منفی و کشمکش‌های زندگی خصوصی با خانواده خود، از نکات بسیار مهم است. (۳۷)

باید توجه داشت که زن و شوهر اگر اختلاف سلیقه و یا برداشت‌هایی از خانواده دیگری دارند، بهتر است تا حد امکان از بیان آن خودداری کنند؛ چرا که هیچ فردی به سادگی نمی‌تواند انتقادات دیگران را نسبت به افراد خانواده خود بپذیرد و بعضی از انتقادات باعث بروز واکنش‌های عصبی می‌گردد که همراه با مقاومت‌های روانی است و یا موجب ابراز انتقاد و عیب‌جویی متقابل از خانواده دیگری خواهد شد، مگر در بعضی موارد که انتقاد و یا گله به گونه‌ای ملایم بیان شود و همسر او انسانی منطقی باشد. البته نمی‌توان پذیرفت که هر انتقاد و یا گله شوهر و یا زن از خانواده دیگری می‌تواند درست و صحیح باشد، بلکه این احتمال وجود دارد که این انتقاد ناشی از سوءتفاهم‌ها و یا اختلاف فرهنگ دو خانواده باشد. (۳۸)

زن و شوهر باید به گونه‌ای با خانواده‌های خود رفتار کنند که آنان را از ابراز انتقاد و یا گله از همسرشان باز دارد. دو خانواده نیز نباید چنین تصور کنند که مانند گذشته می‌توانند و یا باید از جزئی‌ترین مسائل زندگی مشترک و زناشویی فرزندشان آگاه شوند

و یا به خود اجازه دهند که در زندگی مشترک فرزندشان دخالت کنند. آن‌ها باید این حقیقت را بپذیرند که فرزندانشان حق دارند و باید با مشورت و تفاهم در مورد زندگی‌شان تصمیم‌گیری کنند و به همین دلیل، اصلاح زندگی آن‌ها در این است که بسیاری از روابط خصوصی و چگونگی روش زندگی‌شان را پنهان نگه دارند. (۳۹)

قطع رابطه یک طرفه و یا دو طرفه با خانواده‌ها موجب بروز خلأ عاطفی خواهد شد که نه تنها زن و شوهر را تحت تأثیر قرار خواهد داد، بلکه بر نوه‌ها نیز از جهات روانی و اجتماعی تأثیر خواهد گذاشت. آن‌ها نیاز دارند که با خانواده‌های پدر و مادر خود در ارتباط باشند، و گرنه آنان نیز احساس کمبود عاطفی خواهند کرد.

پی‌نوشت‌ها

۱. ۳ و ۲. ویرجینا ستیر، آدم‌سازی در روان‌شناسی خانواده، ترجمه بهروز بیرشک، تهران، رشد، ۱۳۷۰، ص ۴۳-۴۴ / ص ۴۴ / ص ۴۵.
۳. فرانک فینچام و همکاران، رابطه همسران، ترجمه مهدی قراچه‌داغی، تهران، بیک‌بهار، ۱۳۸۰، ص ۴۷ / ص ۴۹.
۴. ۸ و ۶. فیلیپ ا.ج. برنشتاین، ماری تی. برنشتاین، شناخت و درمان اختلاف‌های زناشویی (زناشویی درمانی)، ترجمه حمیدرضا سهرابی، رسا، ۱۳۷۷، ص ۱۲۵-۱۲۴ / ص ۱۲۶.
۵. مجید رشیدپور، تعادل و استحکام خانواده، تهران، اطلاعات، ۱۳۷۳، ص ۱۵۴.
۶. ۱۰. علی قائمی، خانواده و مسائل همسران جوان، تهران، امیدی، ۱۳۶۲، ص ۲۵۸.
۷. ۱۱. ابراهیم امینی، اسلام و تعلیم و تربیت (۲)، تهران، انجمن اولیا و مربیان، ۱۳۷۲، ص ۱۷۸ با تلخیص.
۸. ۱۲. ۱۳. آمدی، غررالحکم و دررالکلم، فصل ۷۷، ش ۱۰۷۶ / ش ۱۱۱۷.
۹. ۱۴. غررالحکم، ج ۲، ص ۲۹۸.
۱۰. ۱۵. محمدبن یعقوب کلینی، اصول کافی، ج ۲، ص ۳۱۲.
۱۱. ۱۶. احمد حسینی، بهداشت روانی ازدواج و همسرمداری، تهران، مفید، ۱۳۸۰، ص ۲۰۸ / ص ۲۰۱.
۱۲. ۱۸ و ۱۹. محمدرضا شرفی، خانواده متعادل، تهران، انجمن اولیا و مربیان، ۱۳۷۴، ص ۹۶.
۱۳. ۲۰. علی قائمی، پیشین، ص ۲۵۲.
۱۴. ۲۱. محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۵۰.
۱۵. ۲۲ و ۲۳. حسین عسکری، نقش بهداشت روان در زندگی زناشویی ازدواج طلاق، تهران، گفتگو، ۱۳۸۰، ص ۲۶۶ / همان / ص ۲۶۷.
۱۶. ۲۵. حبیب‌الله طاهری، سیری در مسائل خانواده، سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۰، ص ۱۱۳.
۱۷. ۲۶. غلامعلی افروز، همسران برتر، تهران، انجمن اولیا و مربیان، ۱۳۷۷، ص ۶۵-۶۶.
۱۸. ۲۷ و ۲۸. همان، ص ۶۶ با تلخیص / ص ۶۷.
۱۹. ۲۹. دولورس کوران، استرس و خانواده سالم، ترجمه مهدی قراچه‌داغی، البرز، ۱۳۷۵، ص ۴۱.
۲۰. ۳۰. همان، با تلخیص.
۲۱. ۳۱. مجید رشیدپور، تعادل و استحکام خانواده، ص ۱۰۲.
۲۲. ۳۲. مجید رشیدپور، روان‌شناسی ازدواج در اسلام، تهران، انجمن اولیا و مربیان، ۱۳۶۵، ص ۹۱.
۲۳. ۳۳. فضل بن حسن طبرسی، وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۸۲، ح ۲؛ باب ۵۶.
۲۴. ۳۴ و ۳۵. همان، ج ۱۴، ص ۸۲، باب ۵۶، ح ۳ / ص ۸۳.
۲۵. ۳۶. حسین عسکری، پیشین، ص ۲۵۲.
۲۶. ۳۷. همان، ص ۲۵۳-۲۵۴ / ص ۲۵۵.